

## مفهوم‌شناسی کمینه‌گرایی در سبک زیسته مدرن و قرآن کریم

### The Concept of Minimalism in the Modern Lifestyle and the Holy Qurann

Ghasem Mohseni Mari<sup>1</sup>

قاسم محسنی قمری<sup>۱</sup>

#### Abstract

Minimalism is the choice of a way of life in the perception of simplicity in the modern world referring to all kinds of possibilities in the range of goods consumption. Generally, this concept is a model of people's behaviors based on a set of perceptions, values, behavioral methods, tastes and systematic beliefs in social life based on consumption and pleasure. Due to the spatial and temporal occurrence in the ancient and modern world, the ways of living are diverse in terms of structural components, application, the chain of values and rules. Recognizing the difference in the understandings of this concept in the modern world and the Islamic religion in the form of the concepts of asceticism and contentment, which is an action to satisfy a natural need, needs to be reread in the discourse circle related to it. The method of research is descriptive and analytical following the conceptualization of the words used in minimalism in two discourse systems, the Holy Quran and the modern world, and rereading different interpretations of it in the style of living. According to the findings, minimalism is a kind of lifestyle in the post-traditional world and is related to scientific developments in the field of natural and human sciences which is effective on human life in terms of structure, method and purpose.

**Keywords:** asceticism, lifestyle, simplicity, contentment, minimalism.

#### چکیده

کمینه‌گرایی گزینش شیوه‌ای از سبک زیست در برداشت ساده‌زیستی دردنیای نوین است که به انواع امکان‌های موجود در گستره مصرف کالا اشاره دارد. این مفهوم در معنای جامع و کلی، الگویی از کنش آدمیان بر پایه مجموعه‌ای از برداشت‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتاری، سلیقه‌ها و باورهای نظام‌مند افراد در زیست اجتماعی بر پایه مصرف و لذت است. شیوه‌های زیسته به دلیل وقوع مکانی و زمانی در دنیای کهن و مدرن از جهت مؤلفه‌های ساختاری، کاربردی، سلسله ارزش‌ها و قواعد دارای تنوع هستند. بازشناخت تفاوت برداشت‌ها از این مفهوم در دنیای نوین و دین اسلام در قالب مفاهیم زهد و قناعت که کنشی برای رفع نیاز طبیعی است، حاجت به بازخوانی در دایره گفتگمانی همبسته به آن است. شیوه پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی در پی مفهوم‌شناسی واژگان کاربردی کمینه‌گرایی در دو نظام گفتگمانی، قرآن کریم و دنیای مدرن و بازخوانی برداشت‌های ناهمسان از آن در سبک زیسته است. براساس یافته این جستار، کمینه‌گرایی نوعی سبک زیسته در دنیای پساست و همبسته به تحولات دانشی در گستره علوم طبیعی و انسانی می‌باشد که به گونه ساختاری، روشی و هدف در حیات انسانی اثربخش است.

**واژگان کلیدی:** زهد، سبک زندگی، ساده‌زیستی، قناعت، کمینه‌گرایی

1. Department of Theology, Islamic Azad University) gosha-dandish@gmail.com  
Received: 2023 August 9  
Accepted: 2023 December 31

۱. قاسم محسنی قمری: گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی.  
goshadandish@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

## مقدمه

افراد انسانی با قرارگرفتن در فرهنگ مخصوص از سبک زندگی ویژه بهره داشته، و در آن از سامانه ارزشی، هنجاری، حالتی، سلیقه‌ای و شیوه رفتاری، عینیت یافتگی و ترجیحات امور زندگی برخوردار می‌شوند؛ در این راستا مفهوم کمینه‌گرایی به عنوان گونه‌ای از سبک زندگی<sup>۱</sup> در قالب ساده‌زیستی، کنشی از دوران مدرنیته<sup>۲</sup> است که به واسطه گسترش زیست‌شهرنشینی، رشد مصرف<sup>۳</sup>، الگوی رفتاری و نظام‌واره خاصی از زندگی را برای فرد، گروه و جامعه هویتی<sup>۴</sup> ویژه ایجاد می‌کند. این مفهوم در هر گفتمانی با بهره‌مندی از مؤلفه‌های پیوستی آن، افزون بر برداشت‌های همگون با نظام گفتمانی ویژه، کنش‌های ذهنی و عینی افراد را سامان می‌دهد. در این میان گفتمان دنیای مدرن با بنیان‌های نظری انسان‌محورانه<sup>۵</sup>، تکیه بر عقل‌خودبنیاد، فردگرایی، نسبی‌گرایی، حقوق، سرمایه و مصرف، شکل جدیدی از رویارویی با هستی از جهت نظری و عملی را صورت‌بندی کرد. در این گستره، نقش انسان حداکثری شده و وجود و بودگی<sup>۶</sup> وی در این عالم، تعیین‌کننده پیوندها (با خدا، خود، دیگران و طبیعت)، کارکردها و معناداری امور شد؛ همچنین این پدیده نوین‌نوسازی نظری و گرایشی در گستره فکری، فلسفی و اخلاقی ایجاد کرد و زمینه دگرگونی آن در ابعاد عملی و تمدنی در حوزه‌های سیاسی، آموزشی، دینی، خانوادگی و طبقاتی را فراهم ساخت (اسملسر، ۱۳۵۳، ص ۱۶۶). الگوی گفتمانی نوین براساس مؤلفه مصرف لذت‌گرا که سطح گسترده‌ای از تولید و مصرف را بازتاب داد (میگون، ۲۰۰۶)، فرآورده‌های نامطلوبی بسان آشفستگی‌های طبیعی همانند بحران آلودگی، زباله و خطر نابودی فزاینده منبعی تجدیدنناپذیر و حتی تنش‌های انسانی را فراهم ساخت؛ بدین سان این

۱. life style؛ سبک زندگی در قالب چارچوب نظری برگرفته از نظریات جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و مردم‌شناسان همانند زیمل، بوردیو، گیدنز، ماکس وبر، تورستن ویلن و مارکس است.

۲. Modernity؛ اندیشه حاکم و نگرش نوین به هستی در دوره رنسانس یا مدرن (قرن هفدهم) را مدرنیته گویند (دکارت، ۱۳۸۰، ص ۲۹). مدرنیزاسیون به عنوان مؤلفه این گفتمان، سامانه‌ای از تحولات را در امور روبنایی جامعه همانند اقتصاد و نظام اداری سیاسی پدید می‌آورد (هودشتیان، ۱۳۸۰، ص ۷۴-۷۵).

۳. مصرف در گستره عمل و مصرف‌گرایی (Consumerism) روش زیست است (میلز، ۱۹۹۸، ص ۴).

## 4. Identity

۵. Humanism؛ اصالت انسان، انسان‌مداری، انسان‌گرایی، انسان‌محوری و مانند آن شناخته می‌شود؛ فرآورده دوران روشنگری است. در این نگره اصالت بر خواست و اراده انسان می‌باشد و انسان مینا و غایت ارزش‌ها به شمار می‌رود. این اندیشه در برابر آموزه کلیسایی، خدامحوری (Theocentrism) قرار گرفت.

## 6. Being

## 7. Migone

گفتمان دارای عناصری وجودی و ماهوی است که سبک زیست<sup>۱</sup> همبسته با خود را پدید آورد. چنین زیستی با ایجاد گونه‌های زندگی کمینه‌گرایی یا بیشینه‌گرایی با حوزه میدانی مصرف، تعیین‌بخش هویت افراد شد. افراد انسانی با انتخاب هریک از گونه‌های کمینه‌گرایی یا افراطی به عنوان سبک زیسته و کنش متناسب با آن هویتی را برای خود ایجاد کردند. شاخصه چنین زیستی با معیار مصرف‌گرایی<sup>۲</sup> تعیین‌بخش تراز سبک‌های زندگی در جهان مدرن است که برای افراد عامل متمایزکننده و هویت‌بخشی شد (خواجه نوری، ۱۳۹۰).

مفهوم کمینه‌گرایی در اسلام به عنوان گونه‌ای از سبک زیسته با مؤلفه‌های خدامحوری، تکیه بر وحی، جمع‌گرایی و رهیافت اعتدالی در نسبت به روی‌آوری به دنیا خوانش می‌شود. تعبیر کاربستی دین اسلام از ساده‌زیستی، استفاده از مفاهیم زهد و قناعت است. این مفهوم در گفتمان دینی با محوریت عناصر یادگشته، نوعی بی‌اعتنایی و ترک نمودها و جلوه‌های دنیا‌روایت و تلاش شده است با خوانشی اخلاقی افراد را از زیورها و زواید زندگی (اسراف، تبذیر و اتراف) رهایی دهد و به جای آن زهد و قناعت را پنداشد (مطهری، ۱۳۸۱). با توجه با این گفته‌ها، پرسش‌های این پژوهش صورت‌بندی می‌شود:

الف) کمینه‌گرایی به عنوان شیوه سبک زندگی با مؤلفه تعیین‌بخش مصرف در دایره گفتمانی مدرن و اسلام به چه معنا است؟

ب) مفاهیم کاربستی زهد و قناعت در دین اسلام چه نسبتی با گفتمان مدرن با الگوی کمینه‌گرایی دارد؟

ج) مفهوم ساده‌زیستی در گفتمان مدرن با گفتمان دینی اسلام، چه اشتراکات و تفاوت‌هایی دارد؟

شیوه این پژوهش به گونه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌مندی از اسناد کتابخانه‌ای مفهوم کمینه‌گرایی را به عنوان نوعی ساده‌زیستی در گفتمان جهان مدرن و اسلامی بررسی و تفاوت برداشت‌ها را در دایره گفتمانی هریک بیان کرده است.

۱. دو مفهوم «شیوه زندگی» (way of life) و «سبک زندگی» (life style) با هم تمایز دارند: «شیوه زندگی» مفهومی عام و کلی است که هر گونه روش زندگی را در همه تمدن‌ها و دوره‌های تاریخی (ماقبل مدرن و دوران جدید و پسامدرن) را دربرمی‌گیرد، اما «سبک زندگی» اشاره به زیست در عالم تاریخی ویژه دارد که از ترکیب عالم جدید و ابرپارادایم آن صورت جدیدی از مدنیت (social formation) پدید آمده، جامعه ذیل آن افق تاریخی پدیدار می‌شود.

۲. مصرف به مثابه نشانه و نماد است که کارکرد تمایزگذار اجتماعی دارد (شالچی، ۱۳۸۶).

## پیشینه پژوهش

نخست، سبک زندگی به عنوان موضوع مطالعاتی روان‌شناسی از سوی آدلر (روان‌شناس اتریشی) در سال ۱۹۲۲ مطرح شد (کاویانی، ۱۳۹۱) و در ادامه با رویکرد جامعه‌شناسی در سال ۱۹۶۱ مورد توجه قرار گرفت. (مجدی و همکاران، ۱۳۸۲). این مفهوم در چنین رهیافتی به شکل اجتماعی نوین در متن مدرنیته و فرهنگ مصرف اشاره داشت (ابادری و چاوشیان، ۱۳۸۱) و سپس به گونه‌های متفاوت سبک زیسته از نظر کمینه‌گرایی و بیشینه‌گرایی پرداخته شد. نوشتار در این باره به شکل خاستگاهی در غرب قرن بیستم و سپس به طور گسترده در ایران با نگره‌های متفاوت جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، معماری، هنری متفاوت انجام شده است؛ از آن جمله می‌توان به مقاله «جلوه‌های مینیمالیسم از هنر و معماری تا گلستان سعدی» اثر نظری (۱۳۹۵) اشاره کرد، اما نوشتار درباره کمینه‌گرایی به عنوان ساده‌زیستی و گونه‌ای از سبک زندگی در اسلام در قالب مفاهیم زهد و قناعت پیگیری شد. مقاله «زهد و ساده‌زیستی و نقش آن در رشد فردی و اجتماعی از منظر آیات و روایات» از زاهدی و کریمی درجه (۱۳۹۲) مفهوم زهد در اسلام را به عنوان شکلی از ساده‌زیستی بررسی شده است؛ هرچند در این نوشته نویسندگان با مسلم دانستن این مفهوم به عنوان الگواره ساده‌زیستی در نظام نوین در پی اثبات آثار بنیادین آن در زیست اجتماعی بودند. نوشتار مستقلی هم درباره ساده‌زیستی در اسلام با کاربری واژگانی همانند قناعت انجام شده که می‌توان به مقاله «رابطه حیات طیبه و قناعت از منظر قرآن و تفاسیر» از سلگی و همکاران (۱۳۹۷) که مفهوم قناعت را اساس حیات طیبه دانسته‌اند و نوشتار «ایضاح خوانش قرآنی قناعت به عنوان عاملیت به هم‌تنیدگی حیات طیبه در نهج‌البلاغه» از سید طاهرالدینی و همکاران (۱۳۹۸) که به تعریف قناعت در رهیافت آموزه‌های دین پرداخته‌اند، اما پژوهش مستقلی از مفهوم‌شناسی کمینه‌گرایی در دایره‌گفتمانی مدرن و اسلام و برداشت‌های ناهمسان از آن انجام نشده که همبسته به دایره‌گفتمانی ویژه هریک باشد.

## مفهوم‌شناسی ساده‌زیستی

ساده‌زیستی گونه‌ای از سبک زندگی در گروه‌های اجتماعی است؛ هرچند این مفهوم از جهت وجودشناسی به صورت اشتراک لفظی در میان جوامع و گفتمان‌های ناهمسان رواج دارد، اما از نظر معرفت‌شناسی در وضعیت‌های مختلف در معرض برداشت‌های متفاوتی

قرار دارد. مؤمنان به دلیل هستی‌شناسی و بودگی در دین اسلام دارای باور، نگرش، احساس و عواطف و خواسته‌های ویژه‌ای هستند که آنان را از اجتماع غیردینی متمایز می‌کند؛ از این رو دایره مفهومی کاربستی در گفتمان دینی اسلام برای توصیف و تبیین ساده‌زیستی به عنوان سبک زیسته انسان مؤمن در نسبت به خدا با دایره مفهومی گفتمان انسان مدرن که برای شیوه زیسته نوین در روی‌آوری به مصرف به کارگرفته، متفاوت است. در این دوران به دنبال انقلاب صنعتی و ایجاد رهیافت سرمایه‌داری، رشد فزاینده شهرها، فناوری مدرن، حاکمیت بوروکراسی و به طور کلی ساختار اجتماعی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نوینی را پدید آورد. چنین تحولات گسترده‌ای زمینه فکری، فرهنگی و ایدئولوژی سازوار با آن را فراهم کرد که به آن نوگرایی<sup>۱</sup> گویند؛ بنابراین نوگرایی وضعیت، شیوه زیست و اندیشه مدرن در برابر با دوران پیشامدرن است و مفاهیم برابری، آزادی، آزادی خواهی، عقل‌گرایی، فردگرایی بازنمون یافت (افشارکهن، ۱۳۸۳). کاربست هر کدام از مفاهیم بازنمایی از روی‌آوری انسان به دنیا و فرآورده‌های آن و شیوه ارتباط انسان است؛ در این راستا مفاهیم گفتمان، کمینه‌گرایی به عنوان شکل ساده‌زیستی در گفتمان دین اسلام و دنیای مدرن و مفاهیم در پیوند با آن همانند زهد و قناعت در گستره معرفت‌شناسی بررسی می‌شود.

### مفهوم‌شناسی گفتمان

گفتمان شیوه ویژه از ادراک جهان و فهم آن است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹). این فهم از هستی، سامانه‌ای از مؤلفه‌ها، قواعد، الگوها و معیارهایی در یک محدوده زمانی و مکانی خاص ایجاد می‌کند که بر افراد آن محدوده تحمیل می‌شوند و انواع کنش‌های آنها را سامان می‌دهند (هارلند، ۱۳۸۰). بودگی افراد در هریک از گفتمان‌ها، تعیین‌کننده نوع کنش‌گری افراد در ساحت‌های ناهمسان نگرشی و رفتاری است؛ بر این اساس روزگار سنت و مدرن را می‌توان به مثابه متن و دو گفتمان به شمار آورد که هر یک ساختارها و مؤلفه‌های همبسته به گفتمان ویژه خود دارند و کنش‌های آدیان را با سویه‌های نگرشی و رفتاری سامان می‌دادند. مؤلفه‌های پیش‌فرض‌ها نیز در تحلیل گفتمان به جهت نگرش‌ها و رفتارها متفاوت هستند. هریک از گفتمان‌ها از ساختار زبانی ویژه‌ای بهره دارند که متأثر از بافت متن (عناصر زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل فرازبانی همانند امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) می‌باشند

1. modernism

(یارمحمدی، ۱۳۸۳)، عناصر فرازبانی در گفتمان مدرن با توسعه‌یافتگی صنعتی و در اسلام بر پایه جوامع کشاورزی است. هر کدام از عناصر یادشده همانند توسعه صنعتی و کشاورزی دارای مشکلاتی ویژه خود هستند. جوامع کشاورزی با مشکل قحطی و توسعه صنعتی با رکود، انباشت انبارها و کمبود تقاضا و مانند آن است. بر این اساس تکون منش آدمیان نیز با توجه به بودگی در هریک از گفتمان‌ها متفاوت بوده که در این صورت شیوه زیسته سازگار با فضای گفتمانی و مؤلفه‌های موجود در آن در گستره‌های متفاوت باوری، زیبایی‌شناختی، اجتماعی و روان‌شناختی است.

مفهوم کمینه‌گرایی در میان گفتمان‌های متفاوت دارای برداشت‌های ناهمسان است. در رهیافت دنیای مدرن به دلیل نگرش انسان محورانه، تکیه بر عقل خودبنیاد و فردگرایی، آدمی پاسخگوی اندیشه، گفته و کرده خود می‌باشد (پاکین، ۱۳۷۵)؛ افزون بر آن، انسان میزان حقایق امور گشته و انسانیت به عنوان «وجود بزرگ» پاسخگو به نیازهای درونی و عامل وحدت آدمیان است (آرون، ۱۳۹۳). در این ساختار، مفهوم کمینه‌گرایی در حوزه الگوی مصرف در دنیای نوین براساس چارچوب و مبانی آن خوانش می‌شود. چنین نگره‌ای با گفتمان دینی که براساس خداشناسی و انسان‌شناسی ویژه است، تفاوتی بنیادین دارد. در این دیدگاه برپایه وحی، حقیقت آدمی از روح الهی بوده و آدمی به عنوان خلیفه خدا (بقره، ۳۰؛ انعام، ۱۶۵) و امانت‌دار الهی معرفی شده است که در برابر نعمت‌های الهی مسئولیت و تکالیف ویژه دارد (احزاب، ۷۲) و افزون بر آن، هستی و انسان ملک خدا است و دخل و تصرف بدون اذن فرمان الهی در این امور، تعرض به ملک خدا دانسته می‌شود؛ بر این اساس مفهوم کمینه‌گرایی در الگوی مصرف دین اسلام با واژگان کاربستی ویژه افزون بر معناداری خاص، کارکردی سازگار با زمینه خود دارد.

### مفهوم‌شناسی کمینه‌گرایی

ساختار جامعه پساسنت همبسته به تحولات نظری و عملی در گستره پیشرفت تکنولوژی، تولید، الگوی مصرف و فردیت انسان است. در بستر نظری با رهیافت‌های انسان‌نگری، نسبی‌گرایی معرفتی<sup>۱</sup> با نفی حقیقت ثابت و اعتباری و موقتی دانستن آن، ستیزه با مطلق‌گرایی

۱. حقیقت و معرفت در گستره زمان، مکان، وضعیت و زمینه‌های ناهمسان فرهنگی، تاریخی، علایق و باوری متفاوت است؛ در واقع صدق یا باور معقول همبسته به زمینه‌هاست و انسان محور همه چیز از جمله معرفت است (شایان مهر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۲۷).

و روی آوری به کثرت‌گرایی و در پی آن نسبی‌گرایی فرهنگی و اخلاقی<sup>۱</sup> و تردید در اصول و قوانین اخلاقی عام و کلی (جیمسون، ۱۳۸۶) نگره نوین با الگوی مصرف از فرآورده‌های تکنولوژیکی را پدید آورد. البته پدیده نوین مصرف‌گرایی، گونه زیستی سازگار با آن همانند مدگرایی را ایجاد کرد که زمینه جذب سریع افراد را در داخل دایره فراهم کند؛ زیرا آدمیان می‌خواهند با ورود به آن، هویت متمایز خود را پدید آورند (باکاک، ۱۳۸۱). مصرف کالاهای گوناگون، پیروی پیوسته از مدهای متفاوت و ایجاد سبک‌های زندگی از سوی افراد، هویت آنان را می‌سازد و آنها را از هم متمایز خواهد کرد. تعیین بخشی سبک زندگی ناهمسان افراد در اجتماع سبب پدیدایی فردیت آنان شده، و دیگران نیز به طور عینی این تفرد را درک می‌کنند (سیمل، ۱۹۹۰). در این رهیافت جامعه‌شناختی، سبک زندگی در پیوند با مصرف را نشان می‌دهد که افراد ارزش‌های بنیادی فرهنگی را عینیت داده و با ارزش‌گذاری انباشت داشته‌های مصرفی و تملک بر آن درصدد شناساندن عینی آن به دیگران هستند. البته گوناگونی و فراوانی کالاهای مصرفی سبب تنوع الگو و نظام‌های هنجاری متفاوت شد و در نتیجه فزونی تمایز و تفکیک اجتماعی<sup>۲</sup> برآمده از هویت‌ها، زمینه تکثر گروه‌های اجتماعی با تنوع باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و آرمان‌های مختلفی شد. فرآورده فراوانی تمایزهای نگرشی نیز عامل افزایش عینی و انضمامی کنش‌های اجتماعی در عرصه شیوه‌های ناهمسان تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مُد)، نوع مسکن (معماری و اثاثیه)، روش‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، علایق دینی و سایر فعالیت‌ها شد. در گامی بودگی در صنف یا گروه اجتماعی، الگوی مصرفی ویژه را می‌طلبند که موجب تمایز آنان از گروه‌های دیگر می‌شود. در پنداری می‌توان الگوی مصرف را در جامعه مدرن کشف‌کنشی برای دستیابی افراد به قدرت و جایگاه اجتماعی خوانش کرد. در این گفتمان، کمیته‌گرایی به عنوان الگوی نوین در سبک زندگی با توجه به الگوی توسعه پایدار و انسانی با محوریت عقلانی برای رشد جامعه به واسطه آموزش در نسبت به پدیده مصرف پیشنهاد می‌شود (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۰) که در پی دور کردن آدمیان از میدان مصرف‌گرایی و متوقف ساختن آنان از وابستگی به کالاها است. این شیوه زیستی در رهیافت

۱. در نسبی‌گرایی فرهنگی، هر فرهنگی تنها پاسخگوی معیارهای خودش است. در نسبی‌پنداری اخلاق نیز هیچ معیاری برای داروی بین‌الذلهانی وجود ندارد، پس گفتگوی فرهنگ‌ها و گفتمان‌ها به قصد دریافت حقیقت یا کشف آن نیست بلکه با نیت چانه‌زنی و تجارت است.

2. Simmel

3. Social differentiation

روان‌شناختی در بردارنده خواسته‌های شخص در روش زندگی کردن است. مینیمالیست<sup>۱</sup> یا کمینه‌گرایی با در اختیار داشتن لوازم مصرفی زیاد به سازماندهی آن می‌پردازد و موارد اضافی را از دسترس خارج می‌کند که ذهن آدمی را به داشته‌های مورد علاقه متمرکز سازد. شعار «کمینه پسندیده‌تر از بیشینه»<sup>۲</sup> با نمونی از سبک زیسته بر پایه مالکیت کمتر است که در پی رفع نیاز به دارایی‌های مادی است و با گذشتن از آنها راه را برای رسیدن به اموری فراهم کند که ارزش واقعی و معنایی دارند. چنین نگرشی راهی وظیفه‌شناسانه برای همکنشی با جهان امروزی می‌باشد که ویژگی آن رساندن آدمی به این درک که دنیای نوین با بیشینگی سبب سرپوش نهادن بر حقیقت هستی شده است. شهروندان<sup>۳</sup> در این فرایند، زیست کمینه‌گرایی را برای ساماندهی ساحات زیسته خود در گستره بدن، ذهن، احساسات و عواطف، خواسته‌ها، گفته‌ها و رفتارهای برمی‌گزینند. پیامد چنین فرایندی، بازنمایی زیست متمایز افراد انسانی در اجتماع و ایجاد هویت و جایگاه ویژه می‌باشد؛ افزون بر آن، این شیوه زیستی با تنظیم خواسته و تمرکز و تأمل بر ضرورت‌های زندگی در پی دستیابی به ژرفای وجود انسان است تا نسبت به داشته‌های خود بینش بیشتری داشته باشد و به خوبی اخلاقی و خوشی روان‌شناسی دست یابد و از نگرانی، اضطراب، افسردگی و سایر امور ناخوشایند رهایی یابد. در برابر چنین سبکی زیاده‌گرایی یا افراط‌گرایی در مصرف می‌باشد که در پی الگوهای متنوع و جذاب است. افراد انسانی مبانی افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی را ثروت می‌دانند و مصرف را در جهت نشان دادن ثروت خود قرار می‌دهند (باکاک، ۱۳۸۱). هرچند برخورداری از ثروت به عنوان منبع منزلت اجتماعی می‌باشد، اما بازنمایی آن افتخارآمیز است؛ بنابراین طبقات مرفه با بازنمایی ثروت در پی دستیابی اقتدار هنجاری بوده، تا خود را به الگوی جامعه تبدیل کنند (فاضلی، ۱۳۸۲).

اگرچه بودگی در شیوه‌های زیستی کمینه‌گرایی یا بیشینه‌گرایی همبسته به نوع انتخاب فرد در پیوند با مصرف است، اما نمی‌توان همکنشی و تعاملات اجتماعی افراد را در نوع انتخاب و رجحان فرد نادیده انگاشت؛ زیرا عناصر شرایط محیطی و نهادی سبب می‌شود که افراد شیوه زیستی متناسب با آن را انتخاب کنند. در کنار عوامل اجتماعی برخورداری از ویژگی‌های

۱. Minimalism در برابر آن Maximalisme است که جریانی انتقادی علیه مینیمالیسم به شمار می‌رود و امور را در افراط و افزونگی معنا می‌کند.

2. Less is more

۳. مفهوم شهروند برگرفته از نظام فردگرایی غرب بر پایه اهمیت فرد در زیست اجتماعی است و با واژگان رعیت، ملت، امت، بومی، مقیم، انباء، تابع و مردم برابر و هم‌معنا نیست. این مفهوم نوپدید در سده اخیر با اعلامیه حقوق انسان و شهروند معنای گسترده و فراگیری یافت (موحد، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸، ۲۳۰ و ۲۳۵).



فردی، روانی و تربیتی در نوع انتخاب مؤثر است. نوع انتخاب شیوه زیستی و آشکارسازی آن در عرصه زیستی عامل هویت ساز فرد می باشد. البته گزینش شیوه زیستی در گونه های کمینه گرای یا بیشینه گرای ممکن است پایدار نماند و با تحول شرایط فرهنگی و اجتماعی، رجحان ها و نظام انتخاب به تدریج تغییر یابد؛ بنابراین مؤلفه های دایره کمینه گرای را می توان در کنش ذهنی و رفتاری، هدفمندی، فردگرایی، انتخابی، هویتی و تغییرپذیری دسته بندی کرد. در ادامه باید افزود اخلاق کاربرستی در چنین دنیای مدرنی از گستره اخلاق انسان بنیان بهره دارد و مسئولیت ها و محدودیت های اخلاقی بر مدار انسان محوری است؛ در این جهت زیست کمینه گرای می تواند بر پایه رهیافت روان شناسی با احساس همدردی با فقیران جامعه که فاقد غذای کافی، آب سالم، آموزش پایه ای و در حسرت جامعه مصرفی هستند؛ تحمل پذیری و تاب آوری آنان را در برابر نابرابری الگوی مصرف، شکاف طبقاتی، محرومیت و نابرابری اجتماعی افزایش دهند. در گستره امور طبیعی هم می تواند مانع آسیب زدن به طبیعت با بحران آلودگی شود و زمینه نگهداشت تنوع زیستی و زوال منابع تجدیدناپذیر را فراهم سازد.

### کمینه گرای در گفتمان دین اسلام

در گفتمان دینی گزاره ها و آموزه های دینی تعیین بخش سلوک دینی و رویارویی مؤمنان به امور دنیایی است. کمینه گرای هم به عنوان گونه سبک زندگی در رهیافت دینی محصول انتخاب مؤمنان بر پایه بنیان های دینی می باشد. در این نگره به سبب حضور دین در جامعه با بیان مجموعه ای از حقایق، ارزش ها و رفتارها انسان را به کمال نهایی و قرب خدا می رساند (مصباح، ۱۳۸۱) و از جهت کارکردی زمینه ثبات، نظم و حفظ ارکان اخلاق اجتماعی را فراهم می آورد (جوادی آملی، ۱۳۷۲)؛ بر این اساس اراده تشریحی خداوند همه آن اموری است که خداوند با گزاره های توصیفی (در حوزه خداشناسی، معادشناسی و قصص به صورت اخباری) و توصیه ای (در گستره تکالیف شرعی، اخلاقی و حقوقی) بیان داشته، برای سعادت مندی زیست دنیایی و آخرتی آدمی ضروری می باشد و پایبندی و عمل به آن آموزه ها دینداری و در برابر آن بی دینی دانسته شده است. در رهیافت دین اسلام، انسان با خدایی نامتناهی و حاکم بر جهان در ارتباط است و هستی تحت حاکمیت الهی قرار دارد و نعمت ها از جانب خدا و برای رفع نیازهای آدمی است (ملک، ۱۵؛ یس، ۳۴-۳۵؛ سبأ، ۱۵؛ نحل، ۱۱۴ و بقره، ۱۷۲). پس مسئولیت آدمی

هم در برابر انعام الهی و هم در پیوند با خدا و قرب الهی است؛ بر این اساس برخلاف گفتمان جهان‌پسامدرن که روابط پدیده‌ها را در ارتباط با انسان با خود خوانش می‌کرد، در گفتمان دینی همه روابط در پرتو رابطه انسان با خدا معنادار است. کمینه‌گرایی به عنوان شیوه زیسته انسان مؤمن در پیوند با خدا و قرب الهی معنادار می‌شود و نسبت انسان به خدا، تعیین‌بخش روی‌آوری انسان به خود، دیگران و طبیعت می‌باشد. در این بینش دنیاخواهی و دل‌بستگی به ظواهر آن مانع قرب الهی و کمال دانسته می‌شود و آدمی را از توجه به خدا باز می‌دارد؛ از این جهت نسبت آدمی با طبیعت و امور به گونه‌ای می‌باشد که آدمی را به خدا نزدیک‌تر سازد و در ساحت ذهنی، باوری، احساسات عواطف و خواسته‌ها از اشتغالات دنیایی به دور باشد. چنانچه دوست‌داری دنیا و اشتغال به آن در پیوند با میدان ارتباطی با خدا باشد، ارزشمند است؛ وگرنه اهتمام‌ورزی به دنیا سبب روی‌گردانی، ترک و پوشاندن حقیقت هستی و نادیده‌انگاری دایره قرب خدا می‌باشد و رهانیدن آن واجب دانسته می‌شود. پشت کردن به دنیا و روی‌آوری به آخرت، دل‌بستگی نداشتن به دنیا جز به قدر ضرورت برای حفظ بدن در این راستا است (نراقی، ۱۳۷۸)؛ بنابراین در گفتمان دینی، آموزه‌ها و گزاره‌های دینی به عنوان مرجعیت اعمال پیشین، تعیین‌کننده کنش‌های مؤمنان است. روی‌آوری به این آموزه‌ها مشخص‌کننده زیست مؤمنانه می‌باشد. پس گفته‌های کمینه‌گرایی در گفتمان دینی با شبکه معنایی زهد و قناعت در نسبت به رفع نیازهای طبیعی هم پیوند بوده، و در تضاد با مفاهیم اسراف، تبذیر و اتراف می‌باشد.<sup>۱</sup>

### مفهوم‌شناسی زهد

واژه زهد بازمونی از ساده‌زیستی در گفتمان دینی است که ماهیت اخلاقی دارد و آموزه‌های دینی در گستره آیات و روایات به آن پرداخته‌اند. این مفهوم در لغت یک امر سلبی و در نسبت به چیزی است که تمایل و گرایش به آن نیست (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۹). در این رهیافت ترک و روی‌گردانیدن از آن چیز ممکن است در ساحت خواسته، احساس و باور باشد. در گمانه‌ای در برابر رغبت و حرص برای دنیا خوانش شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۹۷). توجه به نیازها و

۱. در دین پیشینه‌گرایی یا مصرف‌گرایی با شیوه زیست افراد همساز است که عادت به خوشگذرانی دارند و غوطه‌ور در نعمت‌های دنیوی هستند و خداوند به چنین زیست غیراخلاقی رضایت ندارد و انسان‌ها را به تقوا و عبودیت فرا می‌خواند (شعراء، ۱۲۸-۱۲۹، ۱۳۱-۱۳۲). مسئله اسراف در رهیافت دین نیز مذموم است (فرقان، ۶۷؛ نساء، ۶؛ شعراء، ۱۵۲؛ مائده، ۳۲؛ طه، ۱۲۱؛ اعراف، ۸۱؛ غافر، ۲۸؛ یونس، ۸۳؛ اسراء، ۳۳).

رفع حداقلی و وانهادن حداکثری آن برای رضای الهی (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۸۰) یا رضایت به کم است (راغب، بی تا، ص ۲۲۰). مفهوم زهید برای هر چیز اندک (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۱۲) و زهد به کم شمردن چیزی و بی‌اعتنایی نسبت به آن گفته می‌شود؛ بنابراین زهد به عنوان صفت در معنای انگیزه وانهادگی و بی‌رغبتی به امور یا مصرف به قدر کفاف (ابن فارس، ۱۳۹۷، ص ۴۲۵) و پست و کوچک شمردن آن است (شرقی، ۱۳۶۶). دلیل چنین بصیرتی، اندوه نداشتن در از دست دادن و شادی در به دست آوردن می‌باشد. این مفهوم در گستره امور تکلیفی و عبادی، شکرگزاری بر روزی حلال و جهد در ترک حرام است. در قرآن کریم لفظ زاهد «وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» (یوسف، ۲۰) به معنای «رویگردانی» و کنایه از برحذر بودن آمده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۰۷).

در رهیافت برخی دانشوران اسلامی زهد به ترک لذت و روی آوری به زندگی با تحمل درد و رنج‌ها و سختی‌ها دانسته نشده، بلکه کوتاهی آرزو و بی‌رغبتی به دنیا زهد دانسته می‌شود (قطب عبادی، ۱۳۹۳). چنین بصیرتی در نهج البلاغه نیز بدان اشاره شده است: «أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ، وَالتَّوَعُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ» (خطبه ۸۱). به نظر می‌رسد در حوزه معناشناختی واژه زهد در متون دینی یک کلمه کانونی است که شماری از واژگان کلیدی با ویژگی‌های مثبت (تقوی، قَصْرُ الْأَمَلِ، شُكْر، وَرَع، بصیرت، صبر، قناعت) و منفی (یأس، امانی، امال، عشق، جزع، فرح، طمع و دنیا) در اطراف آن قرار گرفته و در نتیجه حوزه تصویری نوینی یافته است. توسعه معنایی این واژه در این متون از معنای روی‌گردانی و بی‌اعتنایی و ترک مال به کوتاه کردن آرزو و بهره بردن از نعمت‌های الهی و شکرگزاری تحول یافته است؛ بر این اساس زهد رهییدن از دل‌بستگی‌ها و لذت‌های دنیا به ترک آرزوهای دنیایی و سایر مؤلفه‌های یادشده برای هدفی ویژه (کسب رضا و قرب الهی) است که توسعه معنایی یافت. در گامی گستره معنایی این مفهوم در متون روایی، افزون بر ترک محرمات و رها کردن اموری که سبب دوری از خداوند می‌شود؛ بر عدم تأسف و ناراحتی به دلیل نبود و فقدان چیزی و یا ازدست دادن آن و شاد نشدن برای به دست آوردن آن بیان شده است: «الزَّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سَبَّحَانَهُ لَكِي لَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزَّهْدَ بِطَرَفَيْهِ» (شریف رضی، ۱۳۷۸، ج ۴۳۹).

۱. واژه زهد در قرآن کریم تنها در این آیه مطرح شده، اما معنا و مفهوم آن در آیه ۲۳ سوره حدید آمده است.

در گامی زهد دارای سطوح معرفتی ویژه‌ای شده، برای زاهدان نیز درجاتی شمرده شده است. سطح آغازین آن، روی‌گردانی یا ترک لذت‌های دنیوی به منظور دستیابی به خوشی‌های اخروی؛ در سطح دوم با جایگزینی متاع ناچیز دنیا به دنبال متاع باارزش آخرت است. برای تأمین چنین هدفی کنش‌های متناسب با آن همانند تمایل نداشتن به کالاهای دنیوی با ممارست و ریاضت پیوستار روی‌گردانی از حلالی انجام می‌دهد که ظن به آلودگی آن می‌رود؛ در سطح سوم (بالا ترین مرحله) زهد همراه با معرفت یقینی و اشتیاق است و زاهد مشتاقانه خواستار ترک امور دنیایی در پی دستیابی به حب الهی است (شاملی و همکاران، ۱۳۹۶).

بنا بر جهان‌نگری اسلامی، معارف و قوانین قرآن کریم به مثابه کل انسجام دارد و باورمندان به توحید برنامه زیسته خود را براساس برنامه الهی تنظیم می‌کنند. قرآن کریم با گزاره‌های توصیفی و توصیه‌ای، تکلیف را مشخص فرموده و سعادت‌مندی آدمیان را همبسته به رعایت تکالیف الهی و گذر از مرز تعیین شده الهی، ظلم به خود، دیگران و خدا می‌داند (الطلاق، ۱)؛ بر این اساس زیست زاهدانه امر تکلیفی بر مؤمنان است. زیست زاهدانه نیز در گفتمان دینی نوعی بی‌اعتنایی و ترک خواهش‌های دنیایی است و مؤمنان در دایره گفتمانی اسلامی مکلف هستند چنین زیستی داشته باشند. مؤمنان براساس تکلیف دینی با گزینش منش زیستی زاهدانه در پی روح اعتدال، قناعت و کناره‌گیری از دنیا هستند. ایشان خوف از دوزخ و عذاب الهی را حقیقتی از حقایق دانسته و پیوسته آن را بر روح خود چیره ساخته‌اند و لحظه‌ای از آن غافل نمی‌شوند؛ با این رهیافت، آنان پرداختن به دنیای مادی و ظواهر آن را سببی برای عذاب می‌دانند و راه رستگاری را در قناعت و اعتدال می‌جویند (غزالی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۳)؛ حال آنکه در اندیشه انسان مدرن حقوق، امتیاز و توان ویژه در زیست اجتماعی برای افراد ایجاد می‌شود؛ بدین ترتیب کمینه‌گرایی به عنوان انتخاب انسان مدرن در زیست اجتماعی، هویت ویژه و جایگاه اجتماعی را برای فرد پدید می‌آورد.

### مفهوم قناعت در گفتمان دینی

واژه قناعت از «قَنَعَ» به معنای پرسش از روی نیازمندی (اغب، بی‌تا، ص ۴۲۹) و رضایت دادن به قسمت خود است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه قنع)، در روایتی از پیامبر ﷺ قناعت، راضی بودن از داشته‌هایی است که دنیا نصیب وی می‌سازد (جرعاملی، ۱۲۵۸، ج ۱۵، ص ۱۹۴) و بی‌نیازی از دیگران

را در پی دارد (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۳۹). این مفهوم در متون دینی به عنوان مفهوم و فضیلت اخلاق دینی در روی آوری به دنیا با محوریت قرب الهی و آخرت‌گرایی دانسته می‌شود (تألیف البهی، ۱۳۶۲، ص ۲۷۱)؛ بر این اساس قناعت به عنوان صفت اخلاق دینی در اثر تکرار و تمرین، بلکه نفسانی مؤمنان می‌شود که فرآورده آن خشنودی از داشته‌های کم و نگهداشتن نفس از زیاده‌خواهی است؛ زیرا این صفت (زیاده‌خواهی)، زمینه تعلق خواسته‌ای به بهره‌مندی از امور بیش از حد نیاز می‌باشد (جباران، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۵۸۴). از جهت ارزش‌گذاری بودگی (وجود) این صفت در آدمی به گنجینه بی‌پایان تعبیر شده (نهج‌البلاغه، ح ۱۴۰)، که در زمان مشکلات اقتصادی به عنوان راهکاری برای مدارایی با دنیا و قانع شدن به داشته‌ها ارائه می‌شود (نهج‌البلاغه، ح ۳۷۱)؛ بنابراین قناعت حالتی از زیست حداقلی در مصرف می‌باشد که به اندک رضایت داده، و به کوشش در دستیابی ضروریات زندگی بسنده می‌شود (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۷). در پندار دینداران، قناعت مانع از خودباختگی انسان در برابر پدیده‌ها و ثروت‌های دنیا می‌شود و با بهره‌مندی از آن به حس بی‌نیازی دست می‌یابد که مانع از فقر خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۳۷۵).

با توجه به اینکه در گفتمان دینی هستی و نعمت‌های آن از جانب خداست (جائیه، ۱۳: نحل، ۵۳، طلاق، ۲-۳) و زندگی آدمی هدفمند می‌باشد (آل عمران، ۱۹۱: یونس، ۵؛ ابراهیم، ۱۹: نحل، ۳۰؛ عنکبوت، ۴۴؛ جائیه، ۲۲؛ ص، ۲۷؛ روم، ۸؛ تغابن، ۳؛ انعام، ۷۳؛ انبیاء، ۱۶ و زمر، ۵) و زیست دنیا بازی و سرگرمی نبوده است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ هُوَ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام، ۳۲؛ عنکبوت، ۶۴). آدمی در شیوه زیسته مکلف به انجام آموزه‌های دینی و حیات طيبة است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد» (نحل، ۹۷). تعبیر حیات طيبة<sup>۱</sup> در این آیه شیوه زیستی دینی را روایت می‌کند که بازنمایی از حیات حقیقی خداوند است و در آن از هر نوع ناپاکی و آلودگی بری می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۹۶، ۱۹۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۱۹۴؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۷۷). البته قناعت هم به عنوان مصداقی از حیات طيبة دانسته می‌شود (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۷۳۴-۷۳۵؛ حویزی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۸۴). با توجه به آموزه‌های دین، هدف انسان در زیست فردی و اجتماعی تحصیل آخرت و

۱. معنای طيبة یا طيب، پاک و پاکیزه و چیزی است که آدمی به صورت طبیعی به آن گرایش دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۶۳).

قرب الهی می‌باشد (آل عمران، ۱۶۹) و حیات طیبه هم در این گفتمان، رفع نیازهای بشری به عنوان مطالبات ضروری زیست دینوی و سامان بخشی آن در راستای قرب الهی است.

براین اساس در رهیافت دینی برخورداری از این صفت اخلاقی به عنوان امر وجودی و ایجابی فضیلت دانسته می‌شود و زمینه را برای رسیدن به حقیقت و قرب الهی فراهم می‌سازد. پرداختن به دنیا و ظواهر آن و حرص ورزی مانع کمال انسان می‌شود؛ بنابراین برای پالایش روح انسان از هوای نفس، نگهداری نفس از فزون خواهی، حرص و طمع ضروت دارد. قناعت در این معنا، گستره معنایی آن فراتر از زهد است و در واقع زهد نتیجه قناعت می‌باشد. برخورداری از صفت اخلاقی قناعت سبب رفع دلبستگی آدمی به دنیا و رضایت دادن به داشته‌های خود از راه حلال شرعی است. چنین کنش اخلاقی، تربیت نفس انسان را در پی دارد و اخلاق، صبر و شکیبایی را در آدمی تقویت می‌سازد تا در برابر فزون خواهی‌های نفس و شهوت‌ها ایستادگی کند؛ بنابراین دینداران ضمن نیکوشماری آن، دستیابی به فضائل اخلاقی دیگر را همبسته به بودگی این صفت در وجود انسان دانسته، و آسایش دنیا و آخرت را در آن می‌پندارند (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۷). در روایت‌گیری قرآن کریم بهره‌مندی از این صفت احساس بی‌نیازی در افراد است: «وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و برای کسانی است که در این سرا و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند، دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده، احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند. کسانی که از بخل و حرص نفس خود بازداشته شده‌اند، رستگارانند!» (الحشر، ۹؛ التغابن، ۱۶)؛ بدین ترتیب شیوه زیست کمینه و پرهیز از اسراف و تبذیر پیشنهاد قرآن کریم است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ مؤمنان کسانی هستند که چون هزینه می‌کنند، اسراف نمی‌کنند و خست نمی‌ورزند، بلکه میان این دو، راه اعتدال را می‌گیرند» (فرقان، ۶۷). در روایت‌گیری متن و حیانی عدم بهره‌وری از صفت قناعت افزون بر نکوهش اقوام (بقره، ۹۶)، زمینه ناکامی همانند اخراج (آدم) از بهشت (طه، ۱۲۰-۱۲۱) را فراهم می‌سازد. در این گستره خداوند از برخی اقوام بسان قوم شعیب می‌خواهد که با برخورداری از این صفت در روی زمین فساد نکنند (اعراف، ۸۵).

بنابر آنچه بیان شد، می‌توان زهد را محصول قناعت‌پیشگی دانست. در این رهیافت آدمی با برخورداری از فضیلت اخلاقی قناعت، خود را در مقابل ظواهر دنیا نمی‌بازد، بلکه بر افق آن جای می‌گیرد. نتیجه چنین نگرشی بی‌اعتنایی و روی‌گردانی از دنیا می‌شود که همان زیست زهدانه در نگرش مؤمنان است.

در ادامه باید افزود که مفاهیم مقابل کمینه‌گرایی در گفتمان دینی اسراف و تبذیر است. واژه اسراف به معنای تجاوز از حدود در هر عمل انسان (راغب، بی‌تا، ص ۲۳۶) و خروج از اعتدال و فرارفتن از مطلق حدود است (راغب، بی‌تا، ص ۲۳۶؛ ابن منظور، ذیل سرف). در روایت‌گیری قرآن کریم نباید از مسرفان پیروی کرد (الشعراء، ۱۱۵) و خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید! و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (الأعراف، ۳۱). به دلیل فسادشان مؤمنان از اطاعت آنان منع شدند: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ؛ و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! همان‌ها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند (الشعراء، ۱۵۱، ۱۵۲). مؤمنان در زیست دینی نباید نسبت به داشته‌های دیگران (کفار و مؤمنان) و نداشته‌های خود غمگین باشند (نساء، ۳۲؛ حجر، ۸۸؛ طه، ۱۳۱؛ توبه، ۵۵؛ هود، ۱۵-۱۶؛ حدید، ۴۰).

مفهوم تبذیر در معنای پایه، پاشیدن و استعاره از هدر دادن دارایی‌ها در هزینه‌کرد است (راغب، بی‌تا، ص ۳۷). در نگره واژه‌شناسان و شیوه روایت قرآن کریم، گستره اسراف همبسته به کنش‌های آدمیان و تبذیر هر نوع هزینه‌کرد در امور مالی همانند بذل و بخشش و مانند آن است (سنایی‌فر، ۱۳۸۸، ص ۵۴)؛ بنابراین هزینه‌کرد مؤمنان در زیست دینی باید میانه‌رو باشند: «كُنْ سَمِحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا وَكُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا؛ دست و دل باز باش، نه ولخرج و میانه‌رو باش، نه خسیس» (نهج البلاغه، ح ۳۳).

### تفاوت برداشت‌ها از مفهوم کمینه‌گرایی در گفتمان‌ها

مفهوم کمینه‌گرایی به عنوان مصداق ساده‌زیستی در اسلام براساس قواعد پیشینی مبتنی بر متون دینی است و مؤمنانه در زیست مؤمنانه خود با پیروی از گزاره‌های توصیفی و توصیه‌ای برآمده از متون، از آن اطاعت می‌کنند. در رهیافت دینی برخورداری از اوصاف اخلاقی قناعت

و زهد و شبکه‌ها و واژگانی در پیوند با آن همانند تقوا و صبر، به عنوان امر وجودی و ایجابی فضیلت دانسته می‌شود و زمینه را برای رسیدن به حقیقت و قرب الهی فراهم می‌سازد. باورمندان دینی با پایبندی به گزاره‌های دینی و باور به حضور در محضر الهی و آخرت‌گرایی خود را از بند وابستگی به دنیا می‌رهانند و در پی آن با وسعت نظر هستی را محدود به دنیای مادی نمی‌دانند و از آن اعراض می‌کنند. به نظر می‌رسد چنین برداشتی از مفاهیم قناعت و زهد با نوع رهیافت مدرن تفاوتی بنیادین دارد و نمی‌توان آن را با برداشت نوین از سبک زندگی که مورد مطالعه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان با رویکرد سکولار است، هم معنا دانست.

این مفهوم در دنیای مدرن از قواعد پسینی در نسبت به مصرف بوده، و افراد انسانی برای تمایز و بازشناسی خود در جایگاه اجتماعی این زیست را انتخاب می‌کنند. کمینه‌گرایی محصولی از دوران مدرن با ساختارها و مؤلفه‌هایی در پیوند با پیشرفت تکنولوژی، مصرف، فردیت‌گرایی و عنصرنسی‌گرایی است که افزون بر سیالیت حقایق، رسیدن یا تقرب به صدق آن را معطوف با قدرت<sup>۱</sup> و عناصر دیگر می‌داند. در ادامه باید گفت شیوه زیستی کمینه‌گرایی در دنیای مدرن پیامدی از نوع انتخاب فرد در ارتباط با عوامل فراوان است. این انتخاب در اثر همکنشی و تعامل افراد با شرایط زیسته و بودگی در نهادهای اجتماعی و نیز ویژگی‌های فردی، روانی و تربیتی ایجاد شده است. افراد با گزینش این نوع شیوه زیستی و آشکارسازی آن در عرصه اجتماعی هویت خود را در معماری منزل، اوقات فراغت و به طور کلی در ارتباط با دیگران مشخص می‌کنند. البته این شیوه زیسته پایدار نیست و با تحول شرایط فرهنگی و اجتماعی، رجحان‌ها و نظام انتخاب به تدریج تغییر می‌یابد.

## نتایج پژوهش

۱. سبک زندگی در هر گفتمانی با بهره‌مندی از مؤلفه‌های پیوستی آن کنش‌های عینی و ذهنی افراد را سامان می‌دهد؛ بر این اساس بودگی افراد در گفتمان دینی و غیردینی و ویژگی ناهمسان این دو گفتمان سبک زندگی متفاوت را در پی خواهد داشت.
۲. از ویژگی‌های گفتمان جهان مدرن، انسان‌محوری، تکیه بر عقل خودبنیاد، فردگرایی، حقوق، ثروت و مصرف است. این شاخصه‌ها در گفتمان دینی با خدا‌محوری، تکیه بر وحی،

۱. مقصود از قدرت در این جستار فراتر از نظام حاکم سیاسی نیست و به پیوند میان دانش و نوع دیگر از قدرت اشاره دارد که بر سراسر جامعه حاکم است که به آن اقتدار یا اوتوریتته گویند (مکالا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶-۱۹۰).



جمع‌گرایی و رهیافت اعتدالی به رفع نیاز است. البته در این گفتمان، آموزه‌ها و گزاره‌های دینی به عنوان مرجعیت اعمال پیشین، تعیین‌کننده کنش‌های مؤمنان می‌باشد. مفاهیم در پیوند با کمیته‌گرایی در اسلام قناعت و زهد است که همبسته به شیوه روی‌آوری به دنیا و رفع نیاز آدمی می‌باشد. شیوه تعیینی کنش‌گری آدمی در این زیست هم پیوند با نوع ارتباط آدمی با خداوند و معاد است.

۳. دنیای مدرن از گستره اخلاق انسان بنیان بهره دارد و مسئولیت‌ها و محدودیت‌های اخلاقی آن بر مدار انسان محورانه است. در این زیست، الزامات زندگی اجتماعی اراده آدمی را محدود و در ادامه مسئولیت اخلاقی را مشخص می‌کند. در رهیافت دین اسلام، انسان با خدای نامتناهی و حاکم بر جهان در ارتباط است و هستی تحت حاکمیت الهی قرار دارد و خداوند در انجام هر کاری توانمند است؛ بدین ترتیب مسئولیت تکلیفی اخلاقی انسان در پیوند با خدا و قرب الهی معنادار می‌شود. پس در جامعه دینی نوع رابطه انسان با خداوند، مناسبات انسانی، نوع انتخاب و توانایی انتخاب‌گری را سامان می‌دهد. تربیت مؤمنانه فرآورده هدایت‌یافتگی اندیشه و ذهن در مسیر آموزه‌های دینی و ترک امور نازل است. انتخاب دینی در این دایره تربیتی شیوه عمل و کنش‌ها را تعیین می‌کند.

۴. کمیته‌گرایی به عنوان سبک ساده زیستی و بدیلی در برابر شیوه زندگی در جوامع مصرفی است که در گستره کنش ذهنی و رفتاری، روشی برای رسیدن به هدف با مؤلفه‌های فردگرایی، انتخابی و گزینشی بودن می‌باشد. این شیوه در زیست اجتماعی برای تعیین بخشی هویت افراد می‌باشد که ناپایدار است.

## منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۹۳)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، ج ۸، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ۵ (۲۰)، ۳-۲۷.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. اسملسر، نیل (۱۳۵۳)، «نوسازی روابط اجتماعی»، ترجمه رحمت‌الله مراغه‌ای و همکاران، در: نوسازی جامعه، تهران: جیبی.
۵. افشارکهن، جواد (۱۳۸۳)، بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: آوای نور.
۶. باکاک، روبرت (۱۳۸۱)، مصرف، ترجمه خسرو صبری، ج ۱، تهران: شیرازه.
۷. باپکین، ریچارد اچ. (۱۳۷۵)، متافیزیک و فلسفه معاصر، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۸. بالمر، فرانک (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز ذهبی.
۹. تألیف البهی، محمد (۱۳۶۲)، مفاهیم اخلاقی و عقیدتی قرآن، ترجمه محمدصادق سجادی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۲۸۵)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۳۷۳)، نورالثقلین، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۳. خواجه نوری، بیژن؛ علی روحانی و سمیه هاشمی (۱۳۹۰)، «سبک زندگی و مدیریت بدن»، زنان، ۲ (۴)، ۲۱۴.
۱۴. جباران، محمدرضا (۱۳۸۵)، درسنامه علم اخلاق، ج ۲، قم: هاجر.
۱۵. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، حیات عارفانه امام علی علیه السلام، قم: اسراء.
۱۷. جیمسون، فردریک (۱۳۸۶)، وضعیت پست مدرن، ترجمه حسینعلی نودری، تهران: نی.
۱۸. دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵)، «روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت و رویکردها و مراحل اجرا»، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ۲۲ (۸۶)، ۳۹-۷۱.
۱۹. دکارت، رنه (۱۳۸۰)، تأملاتی درباره فلسفه اولی، ترجمه احمد احمدی، در: از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، تهران: نی.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، تهران: مرتضوی.
۲۱. رضایی، محمود و علی شاطرزاده (۱۳۹۵)، «مفهوم سبک مینیمالیسم در معماری»، اولین کنفرانس ملی آینده مهندسی و تکنولوژی.
۲۲. رضوی زاده، نورالدین (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. سنایی فر، اکبر (۱۳۸۸)، «نگرشی بر بحث اسراف و تبذیر و آثار زیان‌بار آن»، اندیشه بسیج، (۲۶).
۲۴. شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
۲۵. شالچی، وحید (۱۳۸۶)، «سبک زندگی جوانان کافی شاپ»، تحقیقات فرهنگی، ۱ (۱)، ۹۳-۱۱۵.
۲۶. شاملی، نصرالله؛ علی بنائیان اصفهانی و فائزه پسندی (۱۳۹۶)، «میدان معناشناختی زهد در قرآن و بازتاب آن در دیوان شریف رضی»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۶ (۲)، ۸۱-۱۰۴.
۲۷. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸)، نهج‌البلاغه، ج ۴، قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۳۱. غزالی، امام محمد (۱۳۷۴)، احیاء علوم الدین، ترجمه محمد خوارزمی، به کوشش حسن خدیوجم، ج ۳، تهران: علمی فرهنگی.
۳۲. فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق)، العین، ج ۲، تهران: مؤسسه دارالبیروت.
۳۳. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
۳۴. فیست جی و گرگوری فیست (۱۳۹۲)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ج ۸، تهران: روان.
۳۵. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۷. کشاورز مکافاتی، ثریا (۱۳۹۶)، «ساده‌زیستی، قناعت از نگاه قرآن، نهج‌البلاغه و از نظر مکتب لوگوتراپی معنا‌درمانی»، چهارمین کنگره بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی.
۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸ق)، اصول کافی، ج ۳، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
۴۰. مجدی، علی اکبر؛ رامپور صدرنبوی؛ حسین بهروان و محمود هوشمند (۱۳۸۲)، «سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین»، دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۷ (۲)، ۱۶۱-۱۳۱.

۴۱. مدرس، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محیی الحسین.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، سیری در نهج البلاغه، قم: صدر.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱)، آزادی، ناگفته‌ها و نکته‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۴. مکالا، سی بی بین (۱۳۸۷)، بنیادهای علم تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.
۴۵. موحد، محمد علی و اردشیر رستمی (۱۳۸۴)، «معیار تشخیص حق الله و حق الناس و مصادیق مهم آن در فقه مذاهب اسلامی»، طلوع، ۴ (۱۵)، ۵۰-۲۱.
۴۶. نراقی، احمد (۱۳۸۷)، معراج السعاده، قم: دارالفیض.
۴۷. نظری، ماه (۱۳۹۵)، «جلوه‌های مینیمالیسم از هنر و معماری تا گلستان سعدی»، اولین کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات.
۴۸. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۴۹. وگنسن، ماریان و لوئیس فیلیپس (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
۵۰. هارلند، ریچارد (۱۳۸۰)، ابر ساخت‌گرایی: فلسفه ساخت‌گرایی و پسا ساخت‌گرایی، ترجمه فرزاد سجودی، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۱. هودشتیان، عطاء (۱۳۸۰)، مدرنیته، جهانی شدن و ایران: تهران: چاپخش.
۵۲. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.
53. Miles, Steven (1998), Consumerism: as a way of life, London, Sage.
54. Migone, Andrea (2006), Hedonistic Consumerism: Patterns of Consumption in Contemporary Capitalism, Review of Radical Political Economics, Sage Publications.
55. Plamenatz, Jon (1963), Man and Society, 2 Vol., Vol. 1, Chapter 2, New York: Longman.
56. Simmel, George (1990), The Philosophy of Money, Tom Bohomer and David Frisby (Trans), second enlarged Ed, New York: Routledge.

